



مسلمانی که با محرم می‌آید و با محرم می‌رود

بعضی در شب‌های محرم از دل و جان برای آن حضرت می‌گیرند و برسروسیه می‌زنند اما نمازصبح شان قضا می‌شود. بعضی‌ها از شدت عزاداری صدایشان گرفته اما شب‌ها در اینترنت به دنبال مطالب و تصاویر غیراخلاقی هستند.

بعضی در شب‌های محرم از دل و جان برای آن حضرت می‌گیرند و برسروسیه می‌زنند اما نمازصبح شان قضا می‌شود. بعضی‌ها از شدت عزاداری صدایشان گرفته اما شب‌ها در اینترنت به دنبال مطالب و تصاویر غیراخلاقی هستند. امروز یکی از موضوعات مهم آشنایی با آسیب‌های دینداری است. البته آفت‌های مطرح در بحث آسیب‌شناسی دین و دینداری به حقیقت دین باز نمی‌گردد؛ بلکه به شیوه رویکرد مردم به دین، فهم و تلقی آنها از دین و نیز نوع معرفت دینی و شیوه دینداری آنان مربوط می‌شود.

آسیب دیدن دینداری، موجب شکسته شدن حریم انسانی و گسترش انواع تعدی‌ها و تباهی‌ها می‌گردد و اگر دین به سلامت باشد به بهترین وجه انسان را در مسیر درست حفظ می‌کند. هرچه دین از سلامت و قوت افزون‌تری برخوردار باشد سلامت و قوت انسان در زندگی نیز بیشتر خواهد بود؛ اما با شکسته شدن حریم‌های دین و دین‌داری همه چیز آدمی در معرض خطر قرار می‌گیرد. رشد و تعالی دین و دین‌داری در جامعه اسلامی وابسته به شناخت حقیقت دین، دین‌داری و آفات آن در پرتو متون دینی است.

چیستی دینداری

دین در لغت به معانی گوناگونی مانند رستگار شدن، اطاعت نمودن، پاداش، عادت، کیش و پرهیزکاری آمده است. (1) دین در اصطلاح عبارت است از مجموعه‌ای از باورها درباره هستی و ارزش‌های مبتنی بر این باورها. دین همان مجموعه گزاره‌های وحیانی است که در عرصه‌های مختلف برای بشر رهنمود ارائه می‌دهد. (2) با توجه به معانی دین مراد از دینداری روشن می‌شود. دین‌داری یعنی پایبندی به آموزه‌های دین. اگر کسی بر مدار این آموزه‌ها حرکت کند دیندار محسوب می‌شود.

انواع دینداری

مفهوم دینداری از مفاهیم مشکک و دارای مراتب بسیاری است. ایمان و دینداری مانند نور درجات ضعیف، متوسط و قوی دارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: ایمان ده درجه دارد و حضرت سلمان در درجه دهم ایمان، جناب ابوذر در درجه نهم و جناب مقداد در درجه هشتم ایمان قرار داشت. (3) برای سنجش مراتب ایمان می‌توان به میزان التزام عملی افراد توجه کرد. در قرآن مجید به دو نوع دینداری: «پایدار، ثابت یا ریشه دار» و «سطحی، عاریه‌ای یا موقت» اشاره شده است؛ «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ» (انعام 98) او کسی است که شما را از یک نفس آفرید و شما دو گروه هستید بعضی (از نظر ایمان یا خلقت کامل) پایدارید و برخی ناپایدار هستید.

ویژگی‌های دینداری دائمی یا استوار

از دیدگاه اسلام ایمانی ارزشمند است که برخاسته از صمیم جان بوده و ریشه در وجود آدمی داشته باشد. قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّمَا «الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات 15) مومنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده هرگز شک و تردید به خود راه ندادند و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کردند آنها راستگویان اند.

قرآن انسان‌های باایمان استوار را به درخت طیبیه تشبیه می‌کند و می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم 24) خداوند در آیه یاد شده به این مهم اشاره نموده که انسان موحد از ایمانی ریشه دار برخوردار است و هرگز راکد نیست و آثار ایمانش پیوسته در گفتار و کردارش آشکار است؛ یعنی اعتقاد دائمی دارد نه موسمی.

علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد آنچه از دقت در آیات به دست می‌آید این است که مراد از «کلمه طیبیه» که به درخت طیب تشبیه شده و صفاتی چنین و چنان دارد عبارت است از عقاید حقی که ریشه اش در اعماق قلب و در نهاد بشر جای دارد. (طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی 1417 قمری ج 12 ص 51) از جمله الطاف خداوند نسبت به این مومنان آن است که آنان را بر عقیده ثابت شان حفظ می‌کند: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَقَعْلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ» (ابراهیم 27) خدا کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و در آخرت با سخن استوار پابرجا می‌کند.

امام علی علیه السلام یکی از اوصاف پارسایان را، ثبات قدم در راه دین می‌داند و می‌فرماید: «فی الزلازل وقور، و فی المکاره صبور، و فی ارخاء شکور» پرهیزکاران در حوادث زندگی، باوقار و پابرجا هستند و در ناگواری‌ها بردباری نشان داده و در هنگام رفاه سپاسگزاری دارند.

دینداری ناپایدار

دینداری و ایمان برخی انسان‌ها، موسمی و ناپایدار است و حوادث تلخ و شیرین آن را تغییر می‌دهد. دینداری فصلی نشانه

هایی دارد که در ادامه می خوانید.

به یاد خدا بودن در حال اضطرار: انسانی که دینداری فصلی دارد، همیشه خدا را یاد نمی کند بلکه فقط در شرایطی که به اضطرار دچار می شود او را صدا می زند. قرآن حکیم می فرماید: «وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (یونس 12)

چون به آدمی گزندى رسد چه بر پهلوی خفته باشد و چه نشسته یا ایستاده ما را به دعا می خواند و چون آن گزند را از او دور سازیم چنان می گذرد که گویی ما را برای دفع آن گزندى که به او رسیده بود هرگز نخوانده است و اعمال اسرافکاران این چنین در نظرشان آراسته شده.

دینداری به این نیست که در مشکلات به سوی خدا برویم و دست به دامن لطف او بزنیم اما هنگام فرو نشستن طوفان سختی ها خدا و اطاعت از او را به فراموشی بسپاریم. نشانه ایمان خالص آن است که انسان در سلامت و بیماری، جوانی و پیری، فقر و غنا، پیروزی و شکست، آزادی و زندان یعنی در همه حال به یاد او باشد و بر استان او پیشانی نیاز نهد.

دینداری در زمان و مکان خاص

یکی دیگر از نشانه های دینداری فصلی پرداختن به ظواهر دین در بخشی از فصول سال مانند محرم و رمضان یا در اماکن خاص است. بعضی از افراد که ایمان ضعیفی دارند فقط در ماه مبارک رمضان رفتارشان رنگ و بوی دین می گیرد، ولی بعد از آن دیگر در زندگی شان از دعا، نیایش، عبادت های سحرگاهی، خوش خلقی ها و خوش برخوردی ها خبری نیست.

در حالی که باورها و ارزش های دینی، قابل تفکیک زمانی و مکانی نمی باشند؛ به عنوان مثال فقط ماه رمضان ماه عبادت و دین داری نیست و یا فقط محافل و مکان های مذهبی، همچون هیات ها، مکانی برای مباحث مذهبی و اعتقادی نیست. فرد دیندار در هر زمان و مکانی که باشد، باید خود را ملزم به رعایت دستورها و رهنمودهای دینی نماید؛ برخی در شب های محرم با تمام وجود برای امام حسین (ع) عزاداری می کنند و از دل و جان برای آن حضرت می گریند و بر سر و سینه می زنند اما نماز صبح شان قضا می شود و یا با زبانی که «حسین حسین» گفته اند، برسر پدر و مادر خود فریاد می زنند و احترامی برای آنان قائل نیستند و یا در بیرون از هیئات عزاداری به گونه ای رفتار می کنند که گویی چیزی به نام دین و اعتقادات برای شان بیگانه است.

بعضی ها به جهت شدت عزاداری صدایشان گرفته و چشمانشان از گریه خیس شده، اما شب ها در اینترنت به دنبال مطالب و تصاویر غیر اخلاقی هستند.

عده ای میلیونها تومان برای عزاداری سید الشهداء علیه السلام هزینه می کنند در حالی که هنوز حقوق واجبی همچون خمس و زکات را که خداوند در ثروت شان قرار داده پرداخت نکرده اند و یا به گناه بزرگ رباخواری و رشوه خواری آلوده اند!

یکی از مهم ترین اهداف عزاداری و ذکر مصیبت و سوگواری بر مصیبت امام حسین علیه السلام ارتباط عملی با سیره و سنت آن حضرت است. با نگاهی به آیات قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام می توان دریافت که اظهار مسلمانی کردن کافی نیست، بلکه ایمان با تمام ابعادش باید در شخص مومن اشکار شود. قرآن در این باره می فرماید: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذُنُوبِكُمْ» (حجرات 14) اعراب گفتند ما ایمان آوردیم بگو ایمان نیآورده اید اما بگویید اسلام آورده ایم زیرا هنوز ایمان وارد قلب های شما نشده است.

3- نان به نرخ روز خوردن

یکی از نشانه های دینداری فصلی، نان به نرخ روز خوردن و بنده زمانه بودن است. چنین کسانی افراد بی هویتی هستند که دارای ویژگی های ناپایدار و شخصیت بی ثبات اند و منافع شخصی، برای آنان از همه چیز مهم تر است؛ افراد بوقلمون صفتی که مثل خمیربازی، هرلحظه به شکلی در می آیند. افرادی که متفاوت می اندیشند و مختلف عمل می کنند و نان خود را به نرخ روز می خورند.

در طول تاریخ همواره این افراد وجود داشته اند به ویژه در میان خیل کوفیان افرادی بودند که به اقتضای منافع خویش تغییر چهره می دادند. اگر سودشان در حمایت از علی علیه السلام و اهل بیت بود به ایشان گرایش می یافتند و اگر نفعی در یاری ستمکارانی چون معاویه می دیدند دل در گرو مطامع آنان می نهادند و به آسانی تغییر موضع می دادند.

4. دینداری و دنیاخواهی

بعضی از مردم دین را تا جایی می خواهند که به منافع مادی آنها آسیبی وارد نشود. قرآن در این باره می فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ حَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (حج 11) از میان مردم کسی است که خدا را تنها با زبان می پرستد ایمان او در نزدیکی مرز کفر قرار دارد و با حادثه ای کوچک می لغزد. پس اگر خیری به او رسد به آن اطمینان یابد و اگر مصیبت و آزمایشی به او برسد دگرگون شود و به سوی کفر رود. چنین کسی در دنیا و آخرت زیانکار است.

امام حسین علیه السلام در اشاره روان شناختی به دینداران دنیا طلب آینده ایشان را در مواجهه با سختی ها به فرو گذاشتن امر دین معرفی کرده و فرموده است: «إِنَّ النَّاسَ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعَقٌّ عَلَى السِّتْرِ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَائِشُهُمْ فَإِذَا مَحْصُوا بِالْبَلَاءِ قُلُ الدِّيَانُونَ» به راستی که مردم بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبان آنهاست، تا جایی که دین وسیله زندگی آنهاست، دین دارند و چون در معرض امتحان قرار گیرند، دینداران کم می شوند. (تحف العقول، ص 24)

دو راهی دین و دنیا سنگ محک دینداری افراد است. اگر بخواهیم بفهمیم واقعا دیندار هستیم یا نه باید سر دو راهی دین و

دنیا قرار بگیریم. مردم کوفه در آن هنگام که حکومت مرکزی شام را به علت مرگ معاویه و جوانی یزید دچار ضعف می دیدند بر دعوت از امام حسین علیه السلام و تشکیل حکومت در کوفه تاکید ورزیدند، زیرا احتمال پیروزی و تشکیل حکومت را قوی می دانستند. حتی پس از ورود عبیدالله به کوفه باز هم امید پیروزی را از دست ندادند و از این رو تعداد بسیاری به همراه مسلم در محاصره قصر عبیدالله شرکت کردند. اما این مردم هنگامی که احساس خطر کردند به سرعت از نهضت کناره گرفتند و مسلم و هانی را به دست عبیدالله سپردند.(شبستان)